گزارش

سجاد آذری

«جوان» از موانع پیش روی طرح الزام به ثبت معاملات اموال غیرمنقول گزارش می‌دهد

توپ بی‌اعتباری قولنامه‌ها در زمین مجمع تشخیص و سازمان ثبت

رهبر معظم انقلاب روز گذشته در دیدار رئیس، مسئولان و جمعی از کارکنان قوه قضائیه در تشریح یکی از منشأهای فساد در کشور فرمودند: «مسئله دیگری که اینجا من یادداشت کرده‌ام و جزو مناشئ فساد است و گفتیم دست قوه‌های دیگر است، همین نکته‌ای بود که آقای محسنی هم به آن اشاره کردند، [یعنی] همین مسئله سلب اعتبار از معاملات غیررسمی در اموال غیرمنقول؛ این چیز مهمی است. خیلی از فسادها در مورد اموال غیرمنقول، از همین معاملات غیررسمی و معاملات عادی به وجود می‌آید؛ باید جلوی این گرفته بشود و واقعاً اینجوری است که اگر حالا به فرض از دیدگاه شورای محترم نگهبان یک اشکالی هم این قانون مجلس داشته باشد، مصلحت قطعی نظام و کشور در این است که این قانون دنبال شود؛ یعنی این شیوه‌ای که الان رایج است که دو خط بنویسند، منتقل کنند و مانند اینها، خودش منشأ فسادهای بزرگ است.» قانونی که حضرت آیت‌الله خامنه‌ای روز گذشته و در دیدار با رئیس و اعضای قوه قضائیه به آن اشاره کردند طرح «الزام به ثبت رسمی معاملات اموال غیرمنقول» است که سال ۹۵ تهیه و در سال ۹۹ در مجلس شورای اسلامی تصویب شد و همان سال نیز برای بار اول با ایراد شورای نگهبان به مجلس بازگشت داده‌شد، این اتفاق چهار بار دیگر نیز تکرار شد تا بعد از پنج بار رفت‌وآمد طرح بین مجلس و شورای نگهبان داشت در نهایت به دلیل تأمین‌نشدن نظر شورای نگهبان و اصرار مجلس بر مصوبه خود، مجمع تشخیص موظف به تصمیم‌گیری در خصوص این مصوبه شود.

تأکید مسئولان بر لزوم تصویب طرح

آذرماه سال گذشته و پیش از آنکه این مصوبه به مجمع تشخیص مصلحت نظام فرستاده شود، محسنی اژه‌ای رئیس قوه قضائیه در دیدار با قضات و کارکنان دستگاه قضایی استان گلستان با اشاره به مشکلات و معضلاتی که از ناحیه اعتبار داشتن اسناد عادی متوجه قوه قضائیه و مردم می‌شود، گفت: ما در دستگاه قضایی مجدانه به دنبال اعتبار بخشی به اسناد رسمی و رفع اعتبار از اسناد عادی هستیم و در این رابطه نیز با مقام معظم رهبری صحبت کرده‌ایم؛ همچنین با شورای نگهبان و علمای قم و متخصصان امر هم رایزنی‌ها و بحث‌هایی را در این‌باره داشته‌ایم و به آنها تأکید کرده‌ایم که وضع فعلی ناظر بر اعتبار داشتن اسناد عادی عوارض بیشماری دارد.

وی همچنین تصریح کرد: ما اعلام کردیم که اگر شورای نگهبان نیز رفع اعتبار از اسناد عادی را خلاف شرع قلمداد کند، مجلس مصوبه‌ای در راستای زدودن اعتبار از اسناد عادی ارائه دهد و این موضوع برای اتخاذ تصمیم نهایی به مجمع تشخیص مصلحت نظام برود؛ علی‌ایحال این موضوع در دست پیگیری است و امیدواریم نتیجه لازم حاصل شود.

بعد از این اظهارات بود که نهایتاً این مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام فرستاده شد تا در آنجا در خصوص آن تصمیم‌گیری شود.

خردادماه امسال خاندوزی، وزیر اقتصاد نیز در نامه‌ای به مجمع تشخیص به منظور تسریع در تصویب این طرح تأکید کرد که تصویب‌نشدن طرح اعتبارزدایی از قولنامه‌ها اجرای قانون مالیات بر خانه‌های خالی و مصوبه مالیات بر سوداگری را که شورای نگهبان در حال بررسی آن است، با مشکل مواجه خواهد کرد؛ چون وقتی اسناد عادی معتبر باشند دو طرفِ معاملات ملکی خریدوفروش خود را بدون ثبت در جایی انجام می‌دهند.

خاندوزی همچنین گفته بود که بی‌اعتبارشدن قولنامه‌ها و اسناد عادی ضمانت اجرای مالیاتِ خانه‌های خالی و مالیات سوداگری است و موفقیت حاکمیت در کنترل بازار سوداگرانه مسکن به تصویب این طرح گره خورده‌است. از سوی دیگر اردیبهشت ماه امسال حسن بابایی، رئیس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور تأکید کرد که «حدود ۹۰ درصد از پرونده‌های تشکیل‌شده اراضی و املاک در دستگاه قضایی مربوط به اراضی و املاک قولنامه‌ای است که موجب فروش مال غیر و کلاهبرداری‌های زیادی شده است.» گفته شده است، در مجموع از ۲۵ تا ۴۰ درصد پرونده‌های قضایی مربوط به قولنامه‌ها مرتبط است.

راه‌حلی برای ایرادات طرح

با وجود همه تأکیداتی که در خصوص الزام به تصویب این قانون وجود دارد برخی از موانع را نیز می‌توان در این خصوص برشمرد که یکی از مهم‌ترین آنها وجود حداقل حدود ۱۰ میلیون املاک و اراضی در کشور است که مالکیت آنها مستند به سند رسمی نیست و با توجه به اینکه لازمه انجام معامله رسمی، داشتن سند رسمی به نام آخرین مالک است، افرادی که مالکیت آنها مستند به سند رسمی نیست، امکان انجام معامله رسمی ندارند و انجام معامله به صورت عادی تنها راه‌حل آنان برای معامله است؛ موضوعی که البته قانون راهکاری برای آن سنجیده و سازمان ثبت را مکلف به راه‌اندازی سامانه‌ای به منظور گردآوری اسناد و مدارک مربوط به ادعاهای مالکیت موجود کرده و شش ماه بعد از راه‌اندازی سامانه همه معاملات عادی باطل اعلام خواهد شد؛ اتفاقی که البته بعید به نظر می‌رسد با این سرعت از سوی سازمان ثبت با امکانات موجود قابل انجام باشد و به نظر لازم است در مجمع تشخیص در خصوص زمان‌بندی و شیوه اجرای آن تصمیمات عملیاتی‌تر گرفته‌شود.

نکته بعدی که درخور توجه است، هزینه ثبت اسناد است، موضوعی که موجب‌شده افراد به جای رجوع به دفترخانه‌های ثبت اسناد رسمی ترجیح دهند در دفاتر مشاورین املاک قولنامه‌هایی را ثبت کنند که البته از اعتبار واقعی برخوردار نبوده و به شیوه‌های مختلفی ممکن است بی‌اعتباری آنها محرز شود. از سوی دیگر تعداد فعلی دفاتر اسناد رسمی نیز توانایی ثبت رسمی تمامی قولنامه‌هایی را که در زمان حاضر بین مردم نوشته می‌شود، نخواهند داشت و به نظر می‌رسد برای حل این مشکل لازم است حداقل چند دوره آزمون سردفتری براساس قانون تسهیل صدور مجوزهای کسب‌وکار برگزار شود؛ اتفاقی که فقط یک دوره تا به حال انجام شده و البته پذیرفته‌شدگان این آزمون نیز هنوز تعیین تکلیف نشده‌اند. در این شرایط، باید اقدام اجرایی در خصوص کم کردن هزینه‌های ثبتی و همچنین افزایش واقعی تعداد دفاتر اسناد رسمی از اولویت‌های فوری سازمان ثبت اسناد و املاک کشور قرار گیرد.

با وجود همه این مسائل به نظر می‌رسد برای نجات مردم و قوه‌قضائیه از میلیون‌ها پرونده‌ای که فقط به واسطه قولنامه‌های عادی بین مردم اتفاق می‌افتد، لازم است مجمع تشخیص مصلحت نظام هم در شرایطی که حتی رهبر معظم انقلاب مسئله الزام به ثبت رسمی معاملات اموال غیرمنقول را مورد تأکید قرار داده‌اند، زودتر در خصوص این طرح تصمیم‌گیری کند و با نگاهی وسیع نسبت به موضوعات مرتبط به این مسئله اجازه ندهد بیش از این دامنه مشکلات در این خصوص گسترده شود. اکنون و بعد از اظهارنظر صریح رهبر معظم انقلاب توپ الزامی شدن بی‌اعتبار قولنامه‌ها در زمین مجمع تشخیص و سازمان ثبت است تا هر چه سریع‌تر برای حل این مشکل فکری اساسی کنند.

ماجرای شهریه‌گران مدارس غیرانتفاعی در گفت‌وگوی «جوان» با معاون اسبق وزارت آموزش‌وپرورش

افت کیفیت آموزشی با لابی‌بازی مدارس غیردولتی!

ابراهیم سحرخیز: برخی از مدارس غیردولتی به پشتوانه ارتباطی که با مدیران عالی و میانی در آموزش و پرورش دارند شهریه‌های نجومی می‌گیرند و قدرت آنها به قدری زیاد است که حتی می‌توانند وزیر جابه‌جا کنند

گفت‌وگو
مهسا گربندی

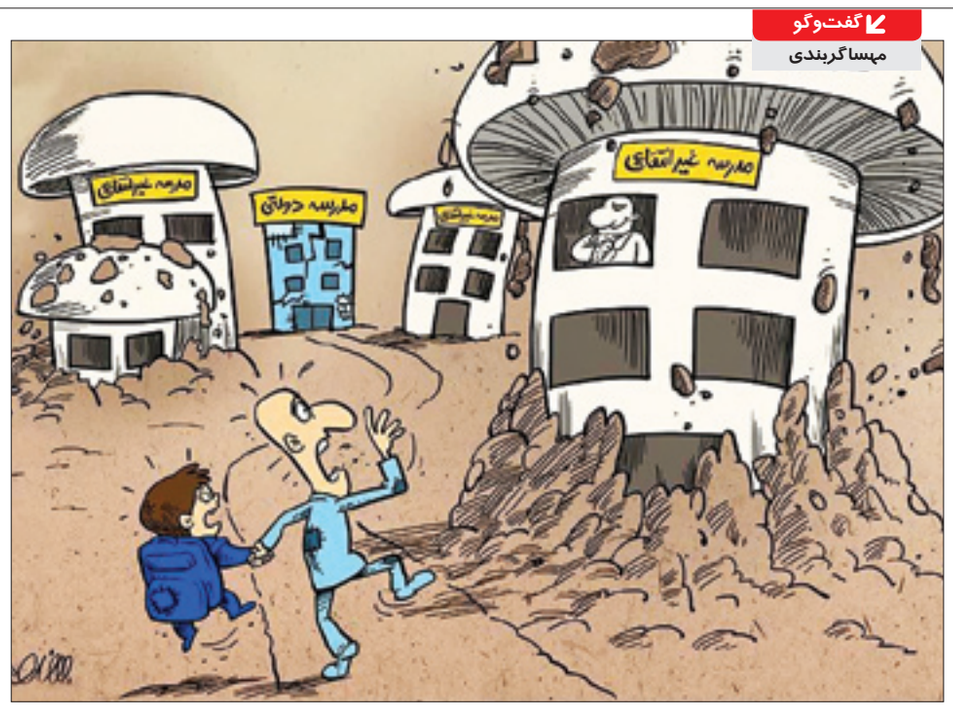

اگر سال به سال، کیفیت مدارس دولتی افزایش می‌یافت و کلاس‌های درس استانداردسازی می‌شد، اگر در این سال‌ها، معلمان متخصص، باانگیزه و توانمند زیادی در مدارس دولتی استخدام می‌شدند، اگر تعداد دانش‌آموزان در هر کلاس، حداکثر ۲۴ نفر در نظر گرفته می‌شد و یک آموزش باکیفیت و رایگان در دسترس همه دانش‌آموزان قرار می‌گرفت، در چنین شرایطی کمتر کسی حاضر می‌شد فرزندش را به مدارس غیردولتی بفرستد. در حال حاضر اغلب خانواده‌ها از کیفیت پایین آموزش در مدارس دولتی گلایه دارند، به همین دلیل به ناچار زیر بار هزینه‌های گران مدارس غیردولتی می‌روند و فرزندشان را در این مدارس ثبت‌نام می‌کنند. این در شرایطی است که با توجه به وضعیت معیشتی خانواده‌ها این شهریه به سختی تأمین می‌شود، چراکه برخی از والدین هر ماه حقوق ثابت ۷ میلیون تومانی دریافت می‌کنند، اما ناچارند که برای یک سال تحصیل فرزندشان، چند ده میلیون تومان پول به حساب مدارس غیردولتی واریز کنند. چرا نسبت به ارتقای کیفیت مدارس دولتی و توسعه آن بی‌توجهی شده‌است؟ و چرا به مدارس غیردولتی میدان داده‌شده تا هر چقدر که می‌توانند جیب خانواده‌ها را خالی کنند؟ برای پیدا کردن پاسخ این سؤالات، «جوان» با ابراهیم سحرخیز، معاون اسبق وزارت آموزش‌وپرورش گفت‌وگو کرده‌است.

چرا شهریه‌های مدارس غیردولتی سال به سال بدون هیچ ضابطه‌ای گران می‌شود و هیچ سازمان و نهادی با این گرانی برخورد نمی‌کند؟

باید اول این را بگویم که مدارس غیردولتی از اول غیرانتفاعی بودند، یعنی اینکه آنها اصلاً نباید مقاصد تجاری می‌داشتند و از این کار سود می‌بردند، اما به مرور زمان فلسفه مدارس غیرانتفاعی در کشور دستمایه تغییر شد تا جایی که در حال حاضر مدارس غیردولتی به معنای واقعی کلمه رها شده، بی‌نظارت و انتفاعی شده‌اند. در این بین سازمان‌هایی مانند تعزیرات می‌توانند پای کار بیایند و با حساب‌کشی از این مدارس با آنها برخورد قانونی داشته باشند، اما متأسفانه کمتر به این مسئله توجه شده‌است.

آیا برای شهریه‌های گرانی که به حساب مدارس غیردولتی واریز می‌شود، حساب و کتابی وجود دارد؟ مشخص است که چقدر از آن صرف هزینه‌های تعلیم و تربیت دانش‌آموزان می‌شود و چه میزان از آن، سود مدیر و مؤسس مدرسه است؟

از سال ۱۳۹۱ یعنی از زمان معاونت خانم حشمتیان در وزارتخانه آموزش و پرورش تا امروز، قرار بود که مدارس غیردولتی درجه‌بندی شوند تا براساس ضوابط، قواعد و همچنین درجه‌ای که دارند شهریه بگیرند. همچنین قرار بود هزینه‌های تمام‌شده در مدرسه غیردولتی استخراج شود؛ اینکه چقدر دستمزد و اجاره ساختمان می‌دهند چقدر بابت امکانات و کالاهای مرتبط با آموزش، هزینه می‌کنند و... اما متأسفانه آموزش و پرورش این استخراج قیمت را انجام نداده‌است و همینطور بی‌نظم و قاعده هرسال به مبلغ شهریه اضافه می‌شود.

اصلاً نظارتی بر مدارس غیردولتی وجود دارد؟

اغلب مدارس غیردولتی فقط از قواعد و قوانین مخصوص خودشان پیروی می‌کنند و متأسفانه دولت نیز بر این موضوع هیچ نظارتی ندارد. گاهی دیده شده که این مدارس اقدام به خواندن شعرهای ممنوعه کرده‌اند که اینها بی‌در و پیکر بودن مدارس غیردولتی را در تمام ابعاد نشان می‌دهد. یعنی اینکه آنها هر طور دوست دارند شهریه می‌گیرند، هر طور دوست دارند افراد را استخدام می‌کنند و هر چقدر دلشان بخواهد به معلمان پول می‌دهند. حتی اگر نخواهند معلمان را بیمه کنند نیز کسی با آنها کاری ندارد. در حالی که مدارس غیردولتی شهریه‌های چند ده میلیون تومانی از هر دانش‌آموز می‌گیرند، اما اغلب از معلمان بازنشسته یا دانشجویانی استفاده می‌کنند تا حقوق و مزایای آنها را کم و ناقص پرداخت کنند.

برخی از مدارس اعلام می‌کنند که اجاره ساختمان مدرسه گران‌شده و ناچارند بخش زیادی از شهریه دریافتی را صرف اجاره‌بها کنند. این موضوع را قبول دارید؟

همه مدارس غیردولتی که مستأجر نیستند. خیلی از این مدارس در بدو واگذاری، زمین و وام گرفتند و لابی‌های سنگینی هم دارند. در حالی که اعلام شده شهریه ۶۵ میلیون تومانی بابت هر دانش‌آموز دریافت شود، تعدادی از مدارس علاوه بر این پول، بابت سرویس مدارس و خدمات دیگرشان پول می‌گیرند تا سود بیشتری کرده باشند. همه اینها نشان می‌دهد که در نظارت بر مدارس غیرانتفاعی بسیار ضعیف عمل شده‌است. من مخالف مدارس غیردولتی نیستم، اما می‌گویم باید برای خدماتی که می‌دهند و پولی که می‌گیرند یک حساب و کتابی وجود داشته‌باشد. این را باید آموزش و پرورش بخواهد. در حال حاضر مدارس غیردولتی مطرح و مشهوری وجود دارد که شهریه‌های بسیار گرانی از والدین می‌گیرند. پشتوانه‌شان هم مدیران عالی و میانی در آموزش و پرورش است. موارد زیادی هم در این مسئله وجود دارد، اینکه این افراد یا خودشان سرمایه‌گذار و صاحب مدارس غیرانتفاعی‌اند یا همسر و فرزند آنها صاحب مدارس غیرانتفاعی هستند.

> در برنامه هفتم توسعه باید سهم کیفیت‌بخشی مدارس دولتی را افزایش دهیم. مدارس دولتی در مقایسه با مدارس غیردولتی از ساختمان و فضای بزرگ‌تری برخوردارند، اما مشکل اصلی در آنها، کمبود معلم متخصص و تجهیزات کافی است. باید هر نیرویی که در مدارس دولتی به کار گرفته می‌شود، از سمت تربیت معلم باشد. همچنین باید تراکم جمعیت در کلاس‌های درس استانداردسازی شود

پیش‌تر شما اسامی برخی از این افراد را اعلام کرده‌بودید. این افشاگری کمکی به بهترشدن شرایط کرده‌بود؟

اسامی برخی از این افراد را پیش‌تر معرفی کرده‌بودم، اگر لازم شود دوباره اسامی‌شان را خواهم گفت، اما به نظرم این کار، فایده‌ای نداشته و ندارد. برخی از این افراد با قدرتی که دارند، وزیر جابه‌جا می‌کنند یا حتی برخی‌شان در شورای عالی «آینده» عضویت پیدا کرده‌اند! با چنین وضعیتی فکر می‌کنید کاری انجام می‌شود؟

من همیشه برای سلامتی مقام معظم رهبری دعا می‌کنم؛ خدا به ایشان عمر باعزت و طولانی بدهد. اگر رهبر انقلاب را نداشتیم کلاً آموزش و پرورش در کشورمان «صفر» و «تعطیل» شده‌بود. انتظار دارم دولت آقای رئیسی که ولایت‌پذیر است و ادعایی از جنس مردم بودن دارند بر مدارس غیردولتی نظارت بیشتری داشته‌باشد. همانطور که قانون می‌گوید همه نیروها باید تأیید گزینش داشته باشند. در آموزش و پرورش باید به این مسئله توجه ویژه‌ای شود و هر نیرویی وارد این سیستم نشود که رفتار و آثار سوئی در سیستم بگذارد. من مخالف مدارس غیردولتی نیستم، اما نباید آموزش و پرورش تبدیل به کالا و تجارت شود.

چه اتفاقی افتاد که مدارس دولتی نتوانستند رشد کنند. چه عواملی در این رابطه مؤثر و دخیل بوده‌است؟

شما به نکته خوبی اشاره کردید. امسال در لایحه پیشنهادی دولت بند نوزدهم ماده ۸۶ آمده‌است که باید کلاس‌های بالای ۴۰ نفر دانش‌آموز به صفر برسد؛ یعنی عملاً در برنامه پنجم می‌گوییم کلاس ۴۰ نفر آزاد است، اما از آن بیشتر نشود! این در حالی است که قانون شورای آموزش و پرورش تعداد دانش‌آموز را در هر کلاس در مقطع ابتدایی ۱۹ نفر و در متوسطه ۲۳ نفر اعلام کرده‌است.

چنان بلایی سر مدارس دولتی آورده‌اند و با صدور مجوز کلاس‌های ۴۰ نفره برای مردم و دانش‌آموز دردسر درست کرده‌اند که مردم ترجیح می‌دهند بچه‌هایشان را به مدارس غیردولتی بفرستند تا در کلاس‌های استاندارد درس بخوانند. این طبیعی است که وقتی کیفیت مدارس دولتی پایین آورده شود، افراد به ناچار سراغ مدارس غیردولتی می‌روند. مسیری که هم اکنون در حال طی شدن است.

مسئله دیگری که وجود دارد، این است که تعدادی از صاحبان مدارس غیردولتی که قدرت زیادی دارند حتی در جلسات شوراها نیز حضور دارند. به همین دلیل است که ۳۰ سال در سازمان برنامه و بودجه القا شده که آموزش و پرورش باید برون‌سپاری شود. آقای مهرمحمدی که سردسته این ماجرا بود، خوشبختانه آبان ماه گذشته از عضویتش در شورای عالی آموزش و پرورش استعفا کرد، اما این جریان هنوز ادامه دارد. جریانی که مدام می‌گوید کیفیت آموزش در مدارس پایین است، بنابراین برای موفقیت در این زمینه باید آموزش و پرورش برون‌سپاری و خصوصی‌سازی شود. جریانی که می‌گوید اگر آزادی انتخاب وجود دارد، باید در آموزش و پرورش هم آزادی باشد. آنها می‌خواهند دولت یک یارانه توزیع کند و بعد از آن همه مدارس دولتی، خصوصی شود و مردم خودشان انتخاب کنند در کدام مدرسه ثبت‌نام کنند. به این ترتیب قشر ضعیف و متوسط که پول زیادی ندارند، متناسب با یارانه‌ای که دارند، مدرسه انتخاب کنند. اینها که می‌گویم حتی در سند دولت جدید هم آمده‌بود، اما توصیه مقام معظم رهبری به دولت این بود که فقط سند تحول بنیادین مدنظر قرار بگیرد.

> اغلب مدارس غیردولتی فقط از قواعد و قوانین مخصوص خودشان پیروی می‌کنند و متأسفانه دولت نیز بر این موضوع هیچ نظارتی ندارد. اینکه آنها هر طور دوست دارند شهریه می‌گیرند، هر طور دوست دارند افراد را استخدام می‌کنند و هر چقدر دلشان بخواهد به معلمان پول می‌دهند

متأسفانه از زمان برنامه دوم توسعه، چوب حراج به آموزش و پرورش زده شد و علناً می‌گفتند مدارس دولتی موی دماغ مدارس غیر دولتی شده‌است!

آقای دکتر امیدی در دوره ریاست جمهوری آقای روحانی، کارشناس مرکز استراتژیک مطالعات ریاست جمهوری بود. ایشان گفته بود ۳۰ درصد هزینه‌های مدارس دولتی را مردم می‌پردازند. الان در مدرسه دولتی می‌بینیم که مدیر مدرسه کارنامه دانش‌آموز را گرو نگه می‌دارد تا مخارج مدرسه‌اش را با زور از مردم بگیرد. وقتی دولت هزینه‌های مدارس دولتی را نمی‌دهد، آن وقت کلاس شلوغ می‌شود، معلم رضایت ندارد و مدارس دو نوبت کار می‌کنند. وقتی والدین دانش‌آموز می‌بینند درس خواندن در مدرسه دولتی چقدر فاجعه است، به سراغ مدارس غیردولتی می‌روند و در نتیجه تقاضا برای ثبت‌نام در مدارس غیردولتی زیاد می‌شود.

با این تفسیر هر چقدر زمان می‌گذرد، قدرت مدارس غیردولتی بیشتر و بیشتر می‌شود. پس چه کار باید کرد؟

در برنامه هفتم توسعه باید سهم کیفیت‌بخشی مدارس دولتی را افزایش دهیم. مدارس دولتی در مقایسه با مدارس غیردولتی از ساختمان و فضای بزرگ‌تری برخوردارند، اما مشکل اصلی در آنها، کمبود معلم متخصص و تجهیزات کافی است. باید هر نیرویی که در مدارس دولتی به کار گرفته می‌شود، از سمت تربیت معلم باشد. همچنین باید تراکم جمعیت در کلاس‌های درس استانداردسازی شود.

متأسفانه برخی از افرادی که در بدنه دولت هستند، خودشان مدرسه غیردولتی دارند. حتی در زمان آقای روحانی، همسر یکی از معاونان وزیر، چندین مدرسه غیردولتی به نامش شده‌بود. آنها به قدری نفوذ پیدا کرده‌اند که در آیین‌نامه مدارس غیردولتی همه چیز را به نفع مدارس غیردولتی می‌نویسند تا سود ببرند.

اگر مدارس تیزهوشان، نمونه دولتی و غیردولتی را جمع بزنیم، حدود ۳۰ درصد مدارسمان غیردولتی است، اما در امریکا با همه ایراداتی که دارند، میزان مدارس غیردولتی‌شان از ما کمتر است. در امریکا از زمان کلینتون تا ترامپ دیوانه، پول‌هایی صرف توانمندی معلمان ابتدایی شده تا در مقایسه با معلمان ژاپن کم نیاورند. این نشان می‌دهد که آموزش برایشان مهم است، اما در ایران، معلمان حق‌التدریس، نهضت سوادآموزی را به مقاطع ابتدایی می‌فرستیم و فاجعه آموزشی را رقم می‌زنیم.

در دولت آقای روحانی گفته شده که هر سال، ۱۰ درصد را به تعاونی‌ها یا مردم واگذار کنیم. طی هشت سال مدیریت ایشان، مدارس ضعیف و ضعیف‌تر شدند. متأسفانه در دولت سیزدهم نیز اقدام شایسته‌ای برای ارتقای کیفیت آموزش در مدارس دولتی مشاهده نشده و حتی این دولت نیز به دنبال برون‌سپاری آموزش بوده‌است، بنابراین مهم است که نگاه مسئولان تغییر کند. آموزش و پرورش باید نگاه اول و در اولویت باشد. همچنین باید وزیر که مقتدر و دلسوز است برای این وزارتخانه مهم انتخاب شود تا تمام توصیه‌های مقام معظم رهبری در خصوص بهبود وضعیت آموزش در مدارس را اجرایی کند. اگر این اتفاق بیفتد و مردم هم در این زمینه مشارکت داشته‌باشند، مسیر غلطی که سال‌ها در پیش گرفته شده بود به مرور زمان اصلاح می‌شود.

مسئولیت اجتماعی

حسین سروقامت

۸۸۵

رنج‌ها دیده و سختی‌ها کشیده‌ایم تا بفهمیم جامعه چگونه سقوط می‌کند و منحط می‌شود. همچنین مهم است نظر قرآن را در این خصوص بدانیم و از فهم و ادراک قرآن شناسان اطمینان حاصل کنیم.

شهید مرتضی مطهری مرد این میدان است؛ قرآن‌شناسی بی‌نظیر و دانشمندی کارآزموده!

به فرازی از دیدگاه‌های ایشان در کتاب «پانزده گفتار» توجه کنید:

«آنچنان که از قرآن مجید استنباط کرده‌ام، چهار عامل است که عامل فنای اقوام است و نقطه مقابل آنها عامل بقا. حال ممکن است عامل دیگری هم باشد و من از قرآن درک نکرده‌باشم: ظلم و بی‌عدالتی، فساد اخلاق، تفرقه و چنددستگی و ترک امر به معروف و نهی از منکر.»

در احوال جامعه تأمل کنید؛ خبری از این عوامل نیست؟ نباید به سرعت چاره کرد؟ به گفته سعدی:

سر چشمه شاید گرفتن به بیل / چو پر شد نشاید گذشتن به پیل

نگاه

رضا علیپور

کلاهبرداری به اسم کلاس‌های کنکور

برای اکثر دانش‌آموزان سال آخر مدرسه و برای برخی حتی دو، سه سال آخر مدرسه مساوی با کنکور است. معنا و مفهوم کنکور نیز این است که هر کاری که داری باید بگذاری کنار و فقط بشینی بخوانی تا شاید بتوانی یک دانشگاه خوب قبول شوی. حال اگر دانش‌آموز رشته تجربی هم هستی که رقابت برایت شدیدتر از دیگران است و بیشتر از بقیه باید تلاش کنی. در این میان از تلویزیون گرفته تا خیابان و فضای مجازی پر از پیام‌هایی است که می‌گوید «کلید کنکور دست ماست و این هم آمار افرادی که توانسته‌اند با کمک ما بهترین رشته‌محل‌ها را قبول شوند؛ حتی چند جلسه رایگان هم داریم که می‌توانی شرکت کنی و از نزدیک کلاس‌های ما را ببینی و بپسندی. مشاوران ما هم پاسخگو هستند و هر وقت بخواهی می‌توانند به تو مشاوره دهند تا بهترین خدمات را از ما دریافت کنی».

از سوی دیگر دانش‌آموز کنکوری وقتی به حجم بسیار درس‌ها و سؤالات کنکوری سال‌های قبل نگاهی می‌کند، به این نتیجه می‌رسد که تنهایی قادر به شکست دادن این غول بی‌شاخ و دم نیست. در این هنگام مؤسسات زیادی قول می‌دهند روشی را به او آموزش دهند که بدون اینکه نیاز باشد تست را حل کند، فقط با دیدن یکی دو متغیر در تست به راحتی آن را پاسخ دهد و بهترین درصدهای کنکور را به دست آورد. بعد هم می‌گویند اتفاقاً امروز پکیج ما با تخفیف این مبلغ شده که به راحتی می‌توانی سفارش دهی و به سرعت به دستت می‌رسد. اگر با آنها تماس هم بگیری مشاورهایی دارند که آنقدر تماس خواهند گرفت تا تو را راضی کنند که بهترین گزینه ممکن برای قبولی در کنکور هستند، البته هزینه‌های سنگینی نیز مطرح می‌شود ولی آنچنان با آب و تاب از معجزه کردن این پکیج‌ها تعریف می‌کنند تا دانش‌آموز را تحریک کنند، هر طوری که هست خانواده خود را برای خرید آنها راضی کند.

در مورد هزینه‌های کلاس‌های کنکور ارقام مختلفی گفته می‌شود و از شهرهای مختلف گرفته تا کلاس‌ها و بسته‌های مختلف هزینه‌ها متفاوت است، برخی کلاس‌های خصوصی و نیمه خصوصی شرکت می‌کنند که مشخصاً هزینه‌های بالای خود را دارد و برخی نیز در کلاس‌های آنلاینی حضور دارند که نسبتاً از هزینه‌های کمتری برخوردار است. در هر صورت از حدود پنج میلیون برای کمترین دوره‌ها تا هزینه‌های بالای ۱۰۰ میلیونی کلاس‌های خصوصی و نیمه‌خصوصی همراه سوئیت نشان‌دهنده گردش مالی بسیار بالای کنکور است. البته این فقط هزینه دوره‌ها و کلاس‌هاست و هزینه جزوات و کتاب‌ها نیز بخش قابل توجه دیگری مخصوص به خود دارد. در حالی که کبکانیان، عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی سال ۱۴۰۰ گردش مالی کلاس‌های کنکور را نزدیک به ۲۰ هزار میلیارد تومان تخمین زده‌بود برخی همان زمان چیزی حدود ۸۰ هزار میلیارد تومان را به گردش مالی مؤسسات آموزشی کنکور از کارشناسی تا دکتری می‌دانستند، رقمی که البته طی سال‌های گذشته افزایش نیز داشته‌است.

یکی از داوطلبان سابق کنکور تعریف می‌کند که سال ۹۷ پکیج یکی از مؤسسات آموزشی را که تبلیغات زیادی در تلویزیون داشت، خریداری کرده است. قبل از خرید نیز طی تماس تلفنی با دلایل زیادی مثل اینکه از پایه و به شکل خیلی ساده آموزش می‌دهیم، قانع شده است که کل پکیج آنلاین مؤسسه را به قیمت ۱۰ میلیون تومان بخرد و یک نفر مشاور رایگان هم داشته باشد که تا روز کنکور همراه او باشد و مشاوره دهد.

وی با بیان اینکه مشاور اول فقط سه ماه مشاوره داد و به یکباره حساب تلگرامش را حذف کرد، ادامه می‌دهد که بعد از پیگیری زیاد یک مشاور دیگر برای من تعیین شد که او نیز بعد از دو هفته مشاوره حذف حساب کاربری کرد و به همین دلیل تصمیم گرفتم بر حسب همان نقشه راه که داده شده‌بود، ادامه دهم. نقشه راه هم این بود که فقط هشت ساعت در روز ویدئوها را ببینم، آخر شب نیز نیم ساعت یا یک ساعت تمرین کنم.

این داوطلب با تأکید براینکه نمی‌توان طی نیم ساعت هشت ساعت مطلب را تمرین کرد، یادآوری می‌کند: زمان ویدئوها نیز اینقدر زیاد بود که تا دو هفته قبل از کنکور من فقط داشتم ویدئو می‌دیدم و با اینکه هر روز هشت ساعت فیلم‌ها را می‌دیدم، باز هم وقت نکردم ۳۰ درصد از فیلم‌ها را ببینم که به کنکور رسیدم.

وی در پایان تأکید دارد، اینکه گفته می‌شود ما از پایه به صورت ساده آموزش می‌دهیم، دروغ بود، سطح آموزش نیز نسبت به کتاب درسی خیلی بالاتر بود و در برخی از دروس من باید درس‌های مدرسه را در حد ۲۰ می‌فهمیدم که بفهمم اساتید چه چیزی در فیلم‌ها می‌گویند.

این اتفاق یک مثال از صدها روایتی است که از کلاهبرداری مؤسسات کنکور برای خالی کردن جیب داوطلبان گفته‌شده هر چند مشخص است که روش همه مؤسسات اینگونه نیست و مؤسسات بسیاری نیز هستند که با هزینه‌های معقول و بدون تلف کردن وقت داوطلب آموزش واقعی به دانش‌آموزان می‌دهند، ولی با وجود اقداماتی که در جهت ضریب‌دهی به امتحانات نهایی انجام‌شده تا به نوعی از اهمیت کنکور در سال‌های آینده کاسته شود، اما این مؤسسات حتی برای این امتحانات نیز برنامه‌ریزی‌های خود را دارند و با ارائه دوره‌ها و کتاب‌های مخصوص امتحانات نهایی تلاش دارند از آن نیز برای خود سودجویی کنند، موضوعی که بار دیگر لزوم توجه نهادهای نظارتی و همچنین بررسی خانواده‌ها و داوطلبان در مراجعه به این مراکز را مورد تأکید قرار می‌دهد.